

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین

الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

یکی دو شب از بحث دیگر خارج شدیم بی اختیار شد ، مساله‌ی تعویض البتّه مساله‌ی تعویض مساله‌ی خوبی است یعنی مساله‌ی ، حالا تعویض حالا هم تعویض داریم ، هم تعلیق داریم ، هم تلفیق داریم ، هم ترکیب داریم ، ان شاء الله اینها را در محل خودش به اذن الهی

یکی از حضار: یک موقع به اینها پردازیم چون من صور صحیح‌اش را جمع کردم بعد یک موقعی

آیت الله مددی: خوب ، بسیار خوب

یکی از حضار: حاج آقا حالا که بحث باز شده چون بالاخره هم تعویض جزو مباحث بود هم جزو اشکالات بود به مبنای شما که تناسب دارد با مبنای شما لذا اگر صلاح می‌دانید می‌خواهید مطرح بفرمایید که آیت الله مددی: اشکال دارید بفرمایید ، من حرفی ندارم .

یکی از حضار: صور صحیحش را و اینکه و اشکالاتی هم دارد فرقی ندارد .

آیت الله مددی: اینکه شما دیشب اول شب ناراحت بودید که این تعویض صور صحیح‌ه بعد دیدید که تعویض نیست اصلاً نه تعویض بود نه تعلیق بود هیچ کدام نبود

یکی از حضار: نه اینکه ، ولی آن که اینها آری اینجا آورده فرق می‌کند

آیت الله مددی: البتّه عرض کردم به هر حال خدای نکرده فقط قصد چیزی نبود من غالباً

یکی از حضار: چون قیاس انجام داده آقای تبریزی هم این را پذیرفته بود فرمودید

آیت الله مددی: آن اخبرنی بجمیع کتبه که جوابش را دادیم اصلاً دیگر آن که جای تعویض نیست اصلاً غلط است که

یکی از حضار: آن مدعا درست نبود ، آن اصلاً تعویض نیست

آیت الله مددی: آن اخبرنی یعنی روایات ایشان کتبی که ایشان نقل کرده است چه ربطی به روایات دارد اصلاً ؟

یکی از حضار: نه و روایاته

آیت الله مددی: همان روایات یعنی

یکی از حضار: بجمع کتبه و روایاته

آیت الله مددی: کتبه و روایاته، روایات نه این حدیث مفردی که اینجاست نه مراد این است، اشتباه کار است خوب و آن احتمالاتی است که خواندیم که آقا چهار تا احتمال خوب اصلا همه دور از آبادی بود عرض کردیم.

یکی از حضار: مجلسی اول در روضه هم شبیه این کار را کرده است.

آیت الله مددی: می گویم گاهی تعویض به این معناست که حالا تعویض که غلط است تعلیق مثل همان کاری که مرحوم کلینی، ببینید الان مرحوم آقای ابن نوح دقیق ترین صورت تعلیق را هم حتی قبول نکرده است ایشان یعنی مثلاً یک روایتی را از حسین بن سعید از همین طریق پنجم همین دینوری شما بیاورید بعد آن سند برای اول را به آن بچسبانید گفته این نمی شود، حتی اگر طریق اول بود که دو تا روایت داشت از یک روایت به روایت دیگر نمی شود. این جلد ۱۰ تهذیب را بیاورید بابا علی رضا، شما خودتان در اتاق در آن رده ی کتاب هایی که به دیوار هست نه پهلوش

یکی از حضار: از اینجا بیاورم بخوانم یا

آیت الله مددی: نه نسخه ی خودم، تهذیب جلد ۱۰

یکی از حضار: این حالا یک بحث کار است بحث بعدی آن این تفاوتش با مبنای شماس است چون مبنای فهرستی شما هم یک چنین کاری می خواهد بکند

آیت الله مددی: ابدما نمی کنیم، شما اصلا مبنای فهرستی تمام اینها را جدا می کنیم، ابدما درست نمی کنیم، به عکس است مثلاً همین روایت حدیث رفع که در کتاب خصال و توحید آمده است عرض کردیم به لحاظ، حالا اگر ما احمد را قبول بکنیم حالا به جهتی من الجهات مشهور این است که گفتند این سند صحیح است گفتیم شیخ هم دارد فی الصحیح چون یعقوب بن یزید هست ثقه است، ما گفتیم این مشکل فهرستی دارد چون یعقوب بن یزید در قمی ها خیلی شاذ است روایتش برای کتاب حماد، مشکل این است، یعنی یک نسخه ی شاذی است.

یکی از حضار: خوب شما سند صحیح را به واسطه ی

آیت الله مددی: سند صحیح، صحیح است اما به لحاظ فهرستی ضعیف است یعنی چون شذوذ دارد و این اصلاً برای ما هم واضح

نیست مخصوصاً بیشترین شذوذش هم برای سعد است یا سهل است

یکی از حضار: خوب این عکس آن است درست است؟

آیت الله مددی: عکس نیست.

یکی از حضار: عکس آن است که داشت سند باطل را ضعیف را داشت با آن درست می کرد گفتیم این کارش درست نیست

آیت الله مددی: نه ما اصلا تعویض را

یکی از حضار: شما سند صحیح را با فهرست تضعیف می کند

آیت الله مددی: ما با کار، تضعیف با فهرست مقارنه نکردیم با چیزی با سند دیگری گفتیم روی مبنای فهرستی، روی مبنای فهرستی

نه روی مبنای فهرستی الان صحیح نیست، عکس نکردیم با چیزی مقارنه نکردیم.

یکی از حضار: نه اصلا مقارنه را کار ندارم ولی سند صحیح است اولاً

آیت الله مددی: کرارا گفتیم، گفتیم این روی مبنای رجالی صحیح است لکن روی مبنای فهرستی مشکل دارد.

یکی از حضار: مشکل دارد.

آیت الله مددی: نه اینکه عکس کردیم.

یکی از حضار: مبنای فهرستی را مقدم می کنید بر سند

آیت الله مددی: بله خوب طبعاً، ربطی ندارد و شاهدش هم این گرفتیم نگاه کنید شاهدش هم این گرفتیم که خود صدوق هم که

منفرد است ایشان قبولش نکرده است خود صدوق قبول نکرده است کلینی که این کتاب حماد و حریر در قم بوده اصلاً نقل نکرده است

کسانی دیگر هم، یک نوادر احمد است آن از اسماعیل جعفی نقل می کند، نوادر احمد که گفتیم برای نوادر هم نیست برای، گفتیم این

روایت به لحاظ رجالی هم ما قبول نکنیم تطبیق با چیزی نکردیم و به لحاظ تعویض دیدیم که ابن نوح این قدر دقیق است که می گوید حتی

اگر هر دو نسخه چاپ قم هستند مثلاً من باب مثال یکی تحقیق آل البیت یکی تحقیق فرض کنید ربانی است اینها را از هم جدا کنید

بنویسید تحقیق را

یکی از حضار: من دیدم در تعویض های می گوید تعویضی ها آقای صدر حدیث ضعیف را می خواستند صحیح کنند شما حدیث صحیح

رجالی را با فهرستی ضعیف می کنید.

آیت الله مددی: نه ترکیب است، اصلاً ما دنبال تعویض نیستیم کلاً به هیچ وجه

یکی از حضار: اصلاً نیستیم حاج آقا ما هم نمی خواهیم تعویض را بیاوریم ما می گوئیم این روش درست است؟

آیت الله مددی: این راه را عرض کردیم این راه را مرحوم ابن نوح با دقت اینها را جدا کرد پنج تا راه کرد بعضی هایش را دو تا روایت کرد و گفت ینبغی ان لا تحمل رواية على رواية ولا نسخة على نسخة تعویض ندارد ، اصلاً نگاه نمی کنیم . الان مرحوم شیخ طوسی مشهور شده که اگر در کتاب تهذیب ابتدا بکند به اسم احمد بن محمد بن عیسی ایشان از کتابش نقل کرده است از کتاب احمد مشهور شده چون در مشیخه یک عبارتی است ، ما عرض کردیم در مشیخه یک عبارتی دارد اما عبارت مشیخه را کامل ندیدند ، ایشان در مشیخه تصریح می کند آنچه که من از کتاب احمد بن محمد بن عیسی نقل می کنم این پنج جور است ، از پنج تا مصدر است این خیلی عجیب است یعنی خود ایشان تصریح می کند ، حالا اگر مشیخه را نگاه کنید یکی از طریق کلینی است .

از طریق کلینی را تعبیر می کند به احمد بن محمد فقط به این مقدار با اینکه در کلینی احمد بن محمد بن عیسی هم هست دومی از طریق محمد بن علی بن محبوب است آنجا هم گفته احمد بن محمد این طریق به لحاظ رجالی اشکال دارد این کتاب ، حالا کتاب ابن محبوب هم خودش اشکال دارد . سوم از کتاب صفار است آنجا هم تعبیر کرده به احمد بن محمد از کتاب صفار خودش می گوید و من جملة ما ذکرته عن احمد بن محمد بن عیسی بهذا الاسناد عن الصفار عن ، یکی از طریق سعد است ، آنجا هم تعبیر کرده به احمد بن محمد بن عیسی تعبیر کرده است ، یکی هم از طریق نوادر خود ایشان است کتاب ایشان است ، آنجا تعبیر کرده احمد بن محمد بن عیسی یعنی الان مشکلی که شیخ دارد این است الان گفته البته چون می گویم مثلاً برای طریق خود کتاب را گفته احمد بن محمد بن عیسی گفتند خوب این علامت قرار می دهیم اگر گفت احمد بن محمد بن عیسی از کتابش ، اولاً ایشان عده ای از موارد به اسم احمد بن محمد بن عیسی در کافی هم هست از کافی نقل کرده است کافی گفته احمد بن محمد بن عیسی ایشان هم نقل کردند .

ثانیاً چهار طریق را ایشان احمد بن محمد گفته تشخیص نداده که کدام یکی است خصوصاً که آن که از کتاب محمد بن علی بن محبوب است سنداً ضعیف است غیر از اینکه خود کتاب نوادر محمد بن احمد اصلاً کتاب خودش ضعیف دارد ، خود کتاب نوادر ضعیف دارد .

الان ما مشکلی که الان در کتاب تهذیب داریم یعنی فرق بین ابن نوح با تهذیب را نگاه بکنید حالا چرا چون شیخ رفته روی حجیت ، دقت کردید ؟ روی مبنای حجیت الان آقایان توجه نکردند هر چه در کتاب تهذیب آمده احمد بن محمد بن عیسی زدند به نوادر خود احمد در صورتی که ایشان ۵ تا مصدر نقل می کند یکی اش نوادر است تصریح می کند به تعدد مصادر ، مشکل این است که

یکی از حضار: نمی خورد آن وقت ۵ تا را گفته یکی اش نوادر است دیگر

آیت الله مددی: یکی اش نوادر است .

یکی از حضار: خوب اگر ما بتوانیم به نوادر هم بزینم درست است دیگر؟

آیت الله مددی: خوب بتوانیم اگر نتوانیم چه؟ خودش دارد می گوید من جمله ما ذکرته عن احمد از سعد است از ایشان، جمله ای

هم از صفار است جمله

یکی از حضار: جمیع نگفته است.

آیت الله مددی: جمیع نگفته است، دقت کردید چه می خواهم بگویم، می خواهم بگویم الان اگر بخواهد تعویض بشود در حقیقت در عبارت شیخ است چرا چون آقایان آمدند همه را زدند به احمد به نوادر با اینکه بعضی هایش برای نوادر نیست خوب ایشان تصریح می کند، مثلاً الان ایشان آنچه که از روایات حسین بن سعید است بعضی هایش از کتبش است بعضی هایش از طریق محمد بن علی بن محبوب که ضعیف است بعضی هایش از طریق صفار است بعضی هایش هم از طریق سعد است.

ببینید الان از حسین، الان بنایشان این است که اگر گفت حسین بن سعید این از کتاب حسین است، خود ایشان خودش می گوید و من جمله ما ذکرته عن حسین بن سعید بهذا الاسناد عن الصفار عن حسین بن سعید، بهذا الاسناد عن سعد عن حسین بن سعید، این مشکل کاری که الان ما در شیخ، البته این بعضی ها را شنیدم مثلاً خدای نکرده تند می شوند تعابیر تندی راجع به شیخ این اشکال کلی ندارد یعنی اشکال، چون علی ای حال حجیت یک مبنای عقلایی اجمالاً خوب دارد که بالاخره نمی شود گفت که اینک مثلاً آقای خوئی می گوید خبر ثقه حجت است تعبداً، عقلاً، تعبداً که نباشد عقلاً که اجمالاً هست، ۶۰ - ۷۰ درصد از مواردی که راوی ثقه است وثوق پیدا می کنیم اینکه درش اشکال نداریم اشکال سر آن ۲۰ - ۳۰ مورد باقی مانده است و الا در اینکه اجمالاً وثاقت راوی تاثیر گذار است نمی شود انکار کرد، عدالت راوی اجمالاً این آیه مبارکه ان جائکم اجمالاً یک اشعار مائی دارد به عدالت مثلاً، یعنی حجیتی را که مرحوم شیخ می گوید یا کتب مشهوره که اخباری ها می گویند.

اخباری ها اصلاً این حرف ها را قبول ندارند می گویند هر خبری که در یکی از کتب مشهوره باشد حجت است، هر خبری که در یکی

از کتب مشهوره باشد.

یکی از حضار: ولو غیر اربعه؟

آیت الله مددی: ولو غیر اربعه.

یکی از حضار: چون شما مطلق تعویض را اصلاً کلاً غیر واقعی می دانید

آیت الله مددی: و لذا اینجا ما اشکال داریم می کنیم که شیخ الان رفته روی مبنای حجیت آن وقت ما مبنای حجیت را قبول نداریم مشکل کار ما این است، این تعویض یعنی این تعویض را شیخ نکرده است آقایان دارند تعویض می کنند، شیخ تعویض نکرده است دارد تصریح می کند، لکن مشکل شیخ چیست؟ نگفته آن که از کتاب سعد است علامتش چیست، آن است که از کتاب صفار است علامتش چیست خوب یک علامت برایش بگذار.

شما دیدید ابن نوح به چه دقتی

یکی از حضار: آقای سیستانی به اطلاق کلامش چیز کرده است، به اطلاق کلام شیخ که آن جایی که البته می گوید بجمع کتبه و روایاته

آیت الله مددی: نه ندیدم ایشان قائل به تعویض نبودند.

یکی از حضار: چند تا طریق می آورند، اجازه می دهید که من تعویض را چند تا برای شما بگویم کدام را

آیت الله مددی: بفرمایید،

یکی از حضار: فرمایش آقای سیستانی در کدام کتاب است؟

یکی از حضار: الان عرض می کنم، در یک راهی برای تعویض می گویند، می گویند اینکه اگر طریق شیخ در مشیخه ضعیف باشد می شود یا اصلاً نیامده باشد در مشیخه اصلاً نیامده باشد می شود با طریق کتاب الفهرست آن اصلاح کرد.

آیت الله مددی: این تعویض نکرده می خواهد بگوید طریق است، نه این طریق است.

یکی از حضار: این را یکی از موارد تعویض هم

آیت الله مددی: نه این تعویض نیست که

یکی از حضار: بعد مرحوم آقای خوئی هم در کتاب معجم الرجال جلد ۱ صفحه

آیت الله مددی: این باید موارد، ما نه مطلقاً قبول می کنیم نه مطلقاً نفی می کنیم، ما یکی یکی حساب می کنیم موارد را حساب می کنیم ایشان بعضی از موارد از یک کتاب نقل کرده از یک شخص حدود یک صفحه است از یک شخصی بعد یک شخص دیگری اصلاً کلاً به اینها در مشیخه طریق ندارند این عین عبارت صدوق در فقیه است ایشان عبارت صدوق را آوردند اصلاً به فهرست مراجعه نمی کنند غلط است به فهرست مراجعه کردن، ما موارد را حساب می کنیم، ما این طور چشم بسته چنین چیزی تعبد نداریم، یک صفحه من الان جایش در ذهنم نیست ایشان از کتاب صدوق آورده اسم هم نبرده است عیناً عبارت صدوق است

یکی از حضار: شیخ آورده است؟

آیت الله مددی: بله شیخ آورده است، اسم هم نبرده است، اینها خیال کردند برگردیم به طریق شیخ و اسم این اول این باید برگردیم به طریق صدوق در مشیخه به اسم، اصلا عین عبارت صدوق است دقیقا عین عبارت صدوق است، اینکه ایشان مطلبی، اولاً کتب اربعه چرا کتب ثلاثه، استبصار تقریبا چیز کمی از زیادی دارد و الا عین تهذیب است که آن که هیچ

یکی از حضار: نه مثال می زنند برای این می گویند شیخ در مورد محمد بن احمد بن داوود می گوید بجمیع کتب و روایاتش دسترسی دارم و کتاب او کتاب

آیت الله مددی: مزار ایشان از مزارش نقل می کند، تصادفاً ما این را چون مراجعه کردیم توضیح دادیم که اصلاً نسخه ای که در اختیار شیخ بوده مغلوط بوده این نسخه، نسخه ی مزار چون متأسفانه شیخ منفرد است، شیخ به کتاب مزار ابن داوود محمد بن احمد بن داوود چون ایشان بعد از کلینی است ۳۶۸ است وفاتش و شیخ صدوق هم از ایشان نقل نکردند از محمد بن احمد بن داوود که بعد آمده ساکن بغداد شده، شیخ از ایشان از مزار، جلد ۶ مزار خیلی زیاد است همین زیارت یا ممتحنة التی امتحنک الله این برای ابن داوود است منحصر و این کتاب ایشان غلط سندی هم دارد یعنی من عده ای از اسانیدش را با دقت نگاه کردم خرابی دارد خرابی سند دارد نسخه ی ایشان مغلوط است متأسفانه نسخه ای که ایشان از محمد بن احمد دارد.

یکی از حضار: طریق شیخ به محمد بن احمد بن داوود را در مشیخه نیاورده است حالا ما می توانیم از فهرستش کمک بگیریم

آیت الله مددی: مشکل ندارد کمک نیست، این بالاخره این کتاب در اختیار شیخ مسلم بوده نقل کرده حالا یا در مشیخه یادش رفته یا مثلاً از قلم افتاده است یک چیزی شده است مثلاً اما ایشان طریق دارد به محمد بن احمد بن داوود طریقتش هم بد نیست اما نسخه مغلوط است متأسفانه این آقایان اصلاً دنبال این کارها نیستند اینها فقط می گویند طریق را نگاه می کنیم فلان من مراجعه کردم به دقت نگاه کردم یکی یکی نگاه کردم کتاب مزار ایشان متأسفانه نزد شیخ مغلوط است یعنی نسخه مغلوط است ایشان این نسخه را داشته است راست است این نسخه را داشته است.

یکی از حضار: یک طریقه ی دیگری هم گفتند که ادعا شده که

آیت الله مددی: این تعویض نیست که به چه تعویض کرده است؟

یکی از حضار: اینکه خوب مشیخه نداشت آمد از فهرست

آیت الله مددی: خیلی خوب فرق نمی‌کند یکی است چون ما به شما عرض کردیم اگر آن دلیل اگر آن کلام بنده‌ی سرا پا تقصیر در ذاکره‌تان باشد گفتیم مشیخه با فهرست یکی است، مشیخه‌ی شیخ نه مشیخه‌ی صدوق

یکی از حضار: بفرمایید اگر این باشد اصلاً تعویض نیست و

آیت الله مددی: بله یکی است اصلاً، خوب این را من چند بار تا حالا گفتم دیشب هم که مخصوصاً که مشیخه‌ی شیخ در تهذیب عین فهرست است فرق نمی‌کند بله یک بحث دیگری دارند آقایان شاید آن را شما با این، مثلاً در مصباح می‌گوید روی عبد الله بن سنان مثلاً می‌گوید در مصباح آن وقت طریق به آن ندارد ما طریقی که ایشان در فهرست به آن مراجعه می‌کنیم آن گفتیم مشکل دارد ثابت نیست آن.

یکی از حضار: ولی آقای سیستانی قبول نمی‌کنند، اصلاً طریق نداشته باشد نمی‌شود

آیت الله مددی: بله آن را قبول نکردند، نه طریق هم داشته باشد معلوم

یکی از حضار: ولی به اطلاق کلامش

آیت الله مددی: قبول کردند آن را قبول نکردیم ما

یکی از حضار: چرا؟

آیت الله مددی: اگر در مصباح، دلیل نداریم، در مصباح نقل می‌کند روی عبد الله

یکی از حضار: سند آورده؟

آیت الله مددی: نه سند ندارد می‌گوید روی عبد الله بن سنان هیچ چیزی نمی‌گوید، معلوم نیست عبارتی که در فهرست گفته است به او برگردد اصلاً معلوم نیست ایشان از فهرست گرفته باشد.

یکی از حضار: تعبیرش این است که بجمیع کتبه و روایاته

آیت الله مددی: بگوید جمیع کتبه معلوم نیست این عبارت،

یکی از حضار: شاید یک روایت شفهی بوده

آیت الله مددی: نه اصلاً روایت شفهی شاید از یک مصدر دیگری است،

یکی از حضار: خبرنا بجمیع کتبه و روایاته



آیت الله مددی: این باید ثابت بشود که جزو کتب و روایات ایشان است ثابت نیست در مصباح ایشان مراجعه کرده باشد به مشیخه یا مراجعه کرده باشد به فهرست آن ثابت نیست در مصباح ایشان آن ثابت نیست، نه در عبد الله در کل مصباح، در کل مصباح ثابت نیست مگر تصریح بکند از کتاب ایشان

یکی از حضار: طریقه‌ی دوم را هم من بگویم که گفتند این را هم مجلسی اول هم شیخ الشریعة هم محدث نوری از این طریقه استفاده کردند این را شاید حالا نکته در قالب یک نمونه در واقع این جوری گفتند که صدوق به محمد بن مسلم دو تا طریق دارد یک طریقه‌ش مربوط به روایتی است که در سند آن از صدوق به محمد بن مسلم دو نفر به نام‌های مثلاً محمد و علی آمده که توثیق نشدند، ضعیف است اما صدوق در مشیخه‌ی خود طریقه‌ی دیگری به محمد بن مسلم دارد به جای محمد و علی مثلاً برقی و علاء بن رزین را آورده است از آن کمک بگیریم این روایتش را درست بکنیم.

آیت الله مددی: نفهمیدم اصلاً سر و ته مطلب را نفهمیدم

یکی از حضار: می‌گویند صدوق تا محمد مسلم

یکی از حضار: صدوق تا محمد بن مسلم در یک جایی از یک کسی نقل می‌کند ضعیف است ولی در مشیخه طریق آن شیخ به صدوق

آیت الله مددی: این‌ها باید نگاه بشود بینیم مطلب چیست اصلاً

یکی از حضار: یک مثال بزنید اگر مثال زده بود

یکی از حضار: مرحوم مجلسی در روضة المتقین می‌گوید

آیت الله مددی: چون اینها خود آقای سیستانی هم روی با روا را یکی گرفته است شاید روی عن محمد بن مسلم بوده نباید مراجعه کند یعنی خود مرحوم شیخ حر هم روا و، شیخ حر و شیخ مجلسی اینها روا و روی را یکی گرفتند آقای خوئی روا و روی را یکی گرفتند، خوب قبول نکردیم مبنا را قبول نکردیم روا و روی عن محمد بن مسلم را قبول نکردیم که یکی باشد، دقت کردید چه شد؟ چون آنها آن مبنا را دارند مبنایشان آن است، آقای سیستانی هم یکی می‌داند، عرض کردم من از آقای سیستانی خیلی عجیب است من این همه جلسات با آقای سیستانی بودم از ایشان نشنیدم یکی باشد یعنی در این کتاب لاضرر که پسرشان تقریر کرده نوشته تفنن در عبارت است روا محمد بن مسلم و روی عن محمد بن مسلم عجیب و غریب از ایشان حالا این عبارت برای خود ایشان باشد در درس گفتند من که یاد نمی‌آید که تفنن، چه تفننی روا کجا و روی کجا چطور تفنن در عبارت است مگر اینکه بگویم طرف محدث نیست آشنا نیست.

یکی از حضار: مثالی که زدند مرحوم مجلسی آن جایی که فاصله‌ی صدوق تا محمد بن مسلم را تا آن جایی که طریقش محمد و علی هست آن را برداشته جایش فاصله‌ی صدوق تا محمد بن مسلم را در طریقی که علاء و رزین هست آن را جایش گذاشته است .

آیت الله مددی: علاء و رزین نه علاء بن رزین ، این را من می خواستم امشب متعرض بشوم ، این را امشب جزو بحث‌ها بوده است .

یک مشکل این است که ما به طریق علاء طرق متعدد داریم علاء هم از محمد بن مسلم نقل می کند آیا این دو تا

یکی از حضار: اصلاً مجلسی می گوید فقط از او نقل می کند

آیت الله مددی: نه نه دو تا نقل می کند

یکی از حضار: عجیب است که این دارد که

آیت الله مددی: الان می خواستم بگویم که علیرضا بخواند

یکی از حضار: مرحوم مجلسی می گوید علاء فقط از محمد بن مسلم خبر نقل می کند .

آیت الله مددی: نه تفقه علی ید محمد بن مسلم البته روایتش الان هست احتمالی که ما می دهیم که این روایات را خودش نوشته باشد

این امشب بحث ما یکی از بحث‌های امشب ما همین بوده است اصلاً بحث همین امشب ما بحث علاء بن رزین و محمد بن مسلم است

دقت می کنید ؟

این سند نیست این مشکل است یعنی یک مشکلی که ما الان داریم این است که عرض کردم وقتی که مصادر متوسط را متعرض بشویم

بحث ما این بود دیشب خارج شدیم ، دو سه شب است خارج شدیم بحث ما این است که مصادر متوسط یک مشکلی دارد یکی از

مشکلاتش همین است علاء از یک طرف شاگرد محمد بن مسلم است و تفقه علی یدیه از یک طرف خود محمد بن مسلم کتاب دارد ما

نمی دانیم روایتی که الان در کتاب علاء هست این روایت از برای محمد بن مسلم است کتابش است یا خودش برداشته نوشته است مثل

تقریر مثلاً کلام ، سمعت محمد بن مسلم است عن الباقر یقول هکذا این مشکل را ما داریم .

یکی از حضار: این تعویض حساب شده است ؟

آیت الله مددی: نه تعویض حساب نمی شود نه

یکی از حضار: نمی شود ؟

آیت الله مددی: نه این کتاب به ، چون الان ببینید من توضیح می دهم الان اصولاً کتاب علاء جزو کتب مشهور است ما یک طرحی

داریم که شاید می خواستیم همان را هم توضیح بدهیم حالا ان شاء الله عرض می کنم .

بعضی برای بیان بحث فهرستی و اختلاف نسخه و اینها چند تا نمونه بیاوریم بهترین راهش این است که تا نمونه نیاید آقایان ملتفت نمی شوند ما چه می خواهیم بگوییم ، یکی نمونه اش کتاب حج معاویه بن عمار است که چندین نسخه اش را با هم مقابله بکنند تا آقایان بفهمند معنای اختلاف نسخ چیست ، یکی هم کتاب علاء بن رزین است ، تصادفا در ذهن من چون ما داریم گاهی از علاء بن رزین روایت داریم که مثلاً به سه طریق ، چهار طریق درش مثلاً یکی اش دو سطر است همین دو سطر به اضافه ی یک سطر دیگر و بعد تمسک به آیه که ظاهرش شاید تمسک به آیه هم درست نباشد در یک نسخه ی دیگری آمده است و این نسخ کتاب علاء بن رزین بسیار فراوان بوده است اینقدر فراوان بوده که الان هم ما داریم یک نسخه از آن در این اصول سته عشر که برای علاء است ، در این اصول سته عشر که چاپ کردند یکی کتاب علاء بن رزین است یک نسخه ای از کتاب علاء بن رزین است ، دقت می کنید ؟ این شهرت این کتاب است .

و عرض کردیم در سابق این را عرض کردیم در بحث های سابق مرحوم شیخ نجاشی خیلی به آن اتمام نکرده است اما مرحوم شیخ طوسی چرا چهار طریق به کتاب ایشان آورده است و طریقی که ما پیدا کردیم بیش از این چهار تا است خیلی بیش از این حرف هاست ، و این کتاب علاء بن رزین اگر استخراج بشود خیلی مشکلات را حل می کند یعنی این الان ما این مشکل را داریم .

مشکل خلاصه اش این است که ما حالا اگر تمام شده که من وارد بحث امشب بشوم چون تا حالا می خواستیم بحث را شروع کنیم ، تعویض اصلاً به هیچ معنایی به هیچ وجهی یک نوع تدلیس است تعلیق اسانید ، تعلیق سند به سند ، تعلیق اجازه به اجازه ، تعلیق اجازه بن سند ، تعلیق سند به اجازه انواع مختلف تصویر می شود یکی نیست نه اینکه خیال کنید و اضافه ی بر او تلفیق هم داریم آن هم شبیه به همین است شاید اصلاً الان آقایان گفتند که شیخ صدوق فقط کتاب تفسیر امام عسکری را نقل کردند آن وقت شهید ثانی یک اجازه ی دارد در بحار آمده است شهید ثانی ایشان می گوید که تبرک پیدا می کنیم به ذکر یک حدیث ، یک حدیث می خواهد برای تبرک ان وقت این را از طریق شیخ طوسی از استادش از صدوق از تفسیر امام عسکری نقل می کنیم گفتند از این اجازه ی شهید ثانی معلوم می شود که شیخ طوسی هم کتاب تفسیر را نقل کرده است . شیخ طوسی هیچ کجا کتاب تفسیر را نقل نکرده است اصلاً اسمش را هم نیاورده است اصلاً اسم آن مولف را هم نیاورده است ، اسم کتاب را هم نیاورده است .

یکی از حضار: آن وقت شهید به لحاظ اینکه

یکی از حضار: شهید تلفیق کرده است یک اجازه ی عام به شیخ مرحوم شیخ طوسی داشته است شیخ طوسی هم یک اجازه ی عام به کتب صدوق داشته این دو تا را تلفیق کرده زده به تفسیر امام عسکری آن وقت این تلفیق در حدیث قبول شده این تلفیق اگر ، این چیز نیست این تعویض نیست نه تلفیق است دو تا اجازه را به هم وصل کرده است .

یکی از حضار: نه آخر مرحوم مجلسی مثالی که زدیم واقعا همان محمد و علی را برمی دارد.

آیت الله مددی: الان من می گویم امشب بخوانیم الان ببینیم، دقت بکنید معلوم می شود، نه روشن شد این تعویض نیست این تلفیق

است یا ترکیب است دقت کردید؟

یکی از حضار: یک رقم دیگر اینها را من سریع می خوانم

آیت الله مددی: بخوانید.

یکی از حضار: یک رقم دیگر برای تعویض گفتند این است که

یکی از حضار: این هم فرمایش آقای سیستانی است؟

یکی از حضار: نه نه این را حالا عرض می کنم این را شیخ مثلا به صاحب برخی از کتب طریق ضعیف دارد صدوق به همان کتاب

طریق صحیح دارد آمدند گفتند شیخ از آن جایی که شیخ همه ی کتب صدوق از جمله مشیخی او طریق صحیح دارد بیایم و به این واسطه آن طریق شیخ را اصلاح کنیم.

آیت الله مددی: حالا من نمی دانم مرادشان چیست این را من سابقا هم متعرض شدیم این را می خواهید در بیاورید، شخصی است

به نام علی بن اسماعیل میثمی از نوه های میثم تمار جزو متکلمین است ایشان چند تا کتاب دارد هم در کلام هم در فقه و عجیب این است

که در فقه به مرحوم شیخ طوسی نیاورده است نجاشی آورده است کتاب نکاح، اما شیخ طوسی در کتاب نکاح شاید ۳۰ - ۴۰ تا روایت از

علی بن اسماعیل شروع کرده است و هر دو بزرگوار یعنی نه نجاشی و نه شیخ به ایشان طریق ندارند یعنی نه نجاشی در فهرست طریق دارد

و نه شیخ هر دویشان هر دو بزرگوار به علی بن اسماعیل میثمی اسمش را بردند، کتاب هایش را هم بردند اما طریق ندارند و عرض کردیم

این ممکن است که اصلا ایشان به کسی اجازه نداده، احتمال دارد.

مثل همین الکتاب سیبویه اشکال معروف الکتاب سیبویه هم همین است دیگر راوی ندارد الکتاب به کسی اجازه نداده است نوشته

خودش بعدها به نحو وجاده نقل کردند الکتاب سیبویه همین کتاب معروف سیبویه در نقل الان راوی ندارد، یعنی این اینطور نبوده که هر

کتابی نوشتند برای کسی، علی بن اسماعیل میثمی مرحوم شیخ و مرحوم نجاشی خیلی عجیب این است که شیخ کتاب نکاح به او نسبت

نداده اما در کتاب نکاح روایتش را آورده است ابتدا به اسمش کرده است چند تا مورد است ۳۰ تا ۴۰ تا چقدر است علی بن اسماعیل به

اسم علی بن اسماعیل و بعضی از روایاتش هم تاثیر گذار است در نکاح یکی اینکه شرط اجازه ی پدر نمی خواهد بکر این برای همین علی

بن اسماعیل است.

خوب به حسب قاعده ضعیف است چون طریق ندارد شیخ به ایشان در مشیخه هم ندارد ، در فهرست هم ندارد نجاشی هم ندارد هر دویشان ندارند روشن شد ؟ لکن مرحوم صدوق یک روایت در مشیخه دارد و ما کان فیه عن علی بن اسماعیل ، آقای خوئی این را به آن زده است شاید مراد آن آقا این بوده است . آقای خوئی در مستند در کتاب نکاح نگاه کنید یک مورد ، این را یک مورد دیدم من یعنی چند مورد ایشان نقل می کند یک مورد ایشان می گوید چون مرحوم صدوق طریقی دارد به علی بن اسماعیل پس ما این راه را برای مرحوم شیخ را از این راه تصحیح می کنیم ، اگر شما آن آقا گفت شبیه همین است دیگر همین مطلب این الان من مثالش را گفتم برای شما دیگر نمی خواهید شما ، بله الان هست علی بن ، در مستند آقای خوئی دارد این را شما مشیخه را بیاورید علی بن اسماعیل

یکی از حضار: نه مثال خوبی است

آیت الله مددی: حالا خوشحال شدید .

یکی از حضار: ترکیب اسمش است ؟

آیت الله مددی: ترکیب نه یعنی طریق ندارد این طریق دارد خوب پس تصحیح می کنیم با آن جابجا می کنیم ، بله بفرمایید . اولاً برای

مشیخه را بخوانید و ما کان فیه عن علی بن اسماعیل

یکی از حضار: حالم خوب شد .

آیت الله مددی: حالتان خوب شد .

معلوم شد آقا آن آقا کجا می گوید حسین بن سعید این آقای شیخ چهار طریق دارد که هیچ علامت نمی دهد من می خواستم مقارنه بکنیم چه شد همان حجیت ، تعدی ، شیخ اشکال به شیخ وارد نیست چون حجیت تعدی هم ریشه ی عقلائی دارد هم ریشه ی روایی دارد اجمالاً قابل قبول است اینطور نیست که باطل است باطل صرف باشد دقت کردید ؟ اما روی مبانی فهرستی که دقت می کردند این مشکل دارد دیگر خواندیم عبارت را دیگر دیدیم با اینکه سابقاً هم خوانده بودیم دیشب تکرار کردیم عبارت نجاشی را خواندیم برای ابن نوح با چه دقتی می گوید و عبارت شیخ را هم برای شما الان آوردم در مشیخه از کتب احمد از ۵ طریق نقل می کند از کتب حسین بن سعید از ۴ طریق نقل می کند علامت نمی دهد الان بنای علمای ما این است هر کجا می گوید حسین بن سعید ابتدا می کند می گوید از کتاب حسین بن سعید است خودش می گوید چهار تاست .

آن وقت یکی اش هم چیست محمد بن علی بن محبوب خود کتاب محمد بن علی بن محبوب مشکل دارد اصلاً اینکه ما با مشکل روبرو بشویم برای این است همین روایت لا تتقض الیقین ایشان از حسین بن سعید نقل می کند آن وقت کلینی نقل نمی کند ، صدوق هم

نقل نمی کند این حتما یک مشکلی در قصه وجود داشته که نقل نمی کنند ، چیست آن مشکل عرض کردم ما فعلا کاری که توانستیم بکنیم بگوییم آقا حدیث رفع که در کتاب خصال آمده این شذوذ دارد شذوذ فهرستی دارد حتی خود صدوق هم قبولش نکرده است حالا آنها هیچ ، خوب این چرا ، چرایش را من الان نمی دانم . البته احتمالاتی ما می دهیم بنا ندارم هر چه احتمال می دهم ذکر بکنم .

یکی از حضار: جالب است این شده مبنای استصحاب و اینها

آیت الله مددی: آها ، حدیث رفع روی الصدوق فی الخصال و التوحید بصحیحین صحیح نیست این سند مشکل دارد غیر از حالا احمد بن محمد آن هم توثیق شده بود مشکل فهرستی دارد یعنی این حدیث در قم شذوذ داشته اینقدر شذوذ داشته که خود صدوق هم قبولش نکرده است . خوب مشکل است دیگر واقعا شبهه پیدا می کند ، بگوییم حجیت عقلائی ، عقلاء گفتند اگر اسم ثقه بود ما قبول بکنیم بلغ ما بلغ ، عقلاء چنین برنامه ای ندارند که آقای خوئی می گوید چون ثقه است باید قبول بکنیم عقلاء تعبدا قبول کردند چشم بستند قبول کردند ما اصلا می گوییم عقلاء چشم نمی بندند .

یکی از حضار: ثقه است ؟ کدام راوی ؟

آیت الله مددی: یعقوب بن یزید ، آن احمد هم حالا قبول کردیم ثقه است

یکی از حضار: در حجیت خبر واحد هم پس گیر داریم

آیت الله مددی: قبول نداریم حجیت خبر ثقه را که قبول نداریم که

یکی از حضار: پس در مبنا با همدیگر مشکل داریم .

آیت الله مددی: بله خوب بلا اشکال ، بلا اشکال در مبنا ، اصلا آن مبنای حجیت

یکی از حضار: اشکالات مبنایی بر اینها وارد است

آیت الله مددی: بله اشکال مبنایی با ایشان در اصل حجیت و ما معتقدیم که اینها روی مبانی فهرستی هم کار کردند این طور نبوده که فقط رجالی باشد این نیست اصلا این مطلب نسخه شناسی می کردند بررسی می کردند ، این نسخه ی شاذی است در قم حالا از کجا آمده شذوذش چیست ؟ یعقوب بن یزید ثقه است ، جلیل القدر هم هست شخص بزرگواری است ما درس شبهه نداریم ، اما نگاه کردیم در کل کتب اربعه یک مورد بود آن هم باید ، همه ی کتب صدوق و اینها هم سه چهار مورد بود سهل بن زیاد و فلان ، سهل به نظرم در کتاب کافی بود حالا آن علی بن اسماعیل را بیاورید می خواهید عبارت آقای خوئی را هم بیاورید ، آقای خوئی از این راه این حدیث را تصحیح کردند این را که شما دارید می گوید ، دقت کردید ؟ و ما کان اصلا ایشان تعویض

یکی از حضار: الان این تعویض حساب نمی شود؟

آیت الله مددی: ابتدا اصلا معلوم است از عبارت شیخ و نجاشی معلوم می شود اصلا این طریق به کتابش نبوده است یعنی در بازار موجود بوده کتاب اما طریق نداشتند ما این دو تا را

یکی از حضار: آن وقت آن که صحیح است آن چه؟

آیت الله مددی: چه ربطی به این دارد؟

یکی از حضار: طریقه به کتابش نیست؟

آیت الله مددی: نه، حالا شاید صدوق در قم یک راهی داشته است نه شیخ نه نجاشی

یکی از حضار: .. کلام شیخ یک مقدار

آیت الله مددی: حالا اولاً ان شاء الله اثبات می کنیم این علی بن اسماعیل اصلاً آن نیست میثمی نیست، آن شخص دیگری است اصلاً اسم ایشان شده علی بن اسماعیل خیال کردند همان علی بن اسماعیل میثمی است.

یکی از حضار: آن مرار است کیست؟

آیت الله مددی: نه آن اسماعیل مرار نه، این علی بن اسماعیل دیگری است اصلاً ربطی ندارد به او اصلاً، اصلاً ربطی ندارد به آن شخص دقت می کنید؟ آن اصلاً شخصی است که کتابش در اجازات نرفته است نمی شود صدوق به آن طریق اگر هم صدوق طریق به او بعدش هم گفتیم صدوق طریقتش به روایات اوست نه به کتاب او، طریق صدوق مشیخه نیست، به روایاتش است، طریق به روایات را شما می خواهید به طریق اجازه خوب این می شود تعویض، می شود تلیق، می شود تعلیق، روشن شد؟ چون مبانی باید واضح بشود. آقایان فقط یک چیز کلی می گویند دیگر چشم ها را می بندند.

یکی از حضار: آیت الله سیستمی اتفاقاً به این مبنایی که هیچ طریقی ندارد اشکال کرده به آن صورتی که یک روایتی سندی آورده ما داریم جایش می گذاریم باز با یک چیزی پذیرفته اما اینجایی که هیچ چیزی ندارد.

آیت الله مددی: هیچ، نه کلینی و نه نجاشی دارد و نه شیخ و نه در مشیخه، اصلاً نه بالاتر از آن اصلاً شیخ اسم کتاب نکاح را نبرده است اما از آن نقل می کند در تهذیب از آن نقل می کند ابتدا می کند به اسمش.

یکی از حضار: داشته اما طریق نداشته است.

آیت الله مددی: یعنی چه یعنی در بازار بوده است.

یکی از حضار: ببخشید عبارت آقای خوئی این است که هذا يقال بان هذه ضعيفة سنداً

یکی از حضار: همین حدیث نکاحیه؟

آیت الله مددی: همین ها علی بن اسماعیل، مستند جلد چند من چون یک بار دیدم در مستند ها

یکی از حضار: مستند آقای خوئی که چاپ شده جلد

آیت الله مددی: من یک بار دیدم ها با اینکه چند تا حدیث دارد یک بار دیدم آقای خوئی این را نوشته است.

یکی از حضار: واحد شما عشرات است.

آیت الله مددی: بله خوب حالا خیلی خوب، غرض این را من نسبت بدهم من زیاد ندیدم از ایشان این عبارت را، لذا حفظ نکردم

چون یک بار دیدم به نظرم جلد دو است چون مستند کتاب نکاح ایشان نکاحش ناقص است مستند، یعنی عروه ناقص است

یکی از حضار: از موسوعه دارم می خوانم موسوعه کتاب النکاح صفحه ۲۱۱ هذا وقد يقال بأنها ضعيفة سنداً، من جهة جهالة طريق

الشيخ إلى علي بن إسماعيل.

آیت الله مددی: جهالت نیست اصلاً طریق ندارد چون نجاشی هم ندارد، یعنی اصلاً در اجازات نرفته است.

یکی از حضار: در رجال وقتی مجهول می گویند چطور راجع به رجال مجهول می گویند

آیت الله مددی: خیال می کنند این هم مجهول است اصلاً ندارد، دقت کردید؟ وقتی نجاشی ذکر نمی کند شیخ هم ذکر نمی کند ندارد

دیگر یعنی در اجازات نرفته است. این اصلاً در ذهن آقایان نبوده است خیال کردند مثل مجهولی است که در رابطه ی با افراد گفته می شود

بفرمایید.

یکی از حضار: من جهة جهالة طريق الشيخ إلى علي بن إسماعيل. ولكن لا يتم، فإن طريق الصدوق إليه صحيح، وطريق الشيخ إلى

كتب الصدوق وروايته صحيح، فيكون طريق الشيخ إليه صحيحاً لا محالة.

یکی از حضار: این در دسته بندی ما سومین مورد

آیت الله مددی: همین که شما گفتید من مثالش را زدم گفتم اصلاً نمی خواست کلی

یکی از حضار: شما اصلاً

یکی از حضار: بجمیع کتبه و روایاته معلوم نیست شامل این حدیث باشد

آیت الله مددی: اصلاً ربطی به این ندارد اصلاً در اجازات نبوده است اصلاً مشیخه ی صدوق طریقش به روایات است به کتب نیست



یکی از حضار: پس بجمیع کتبه و روایاته یعنی چه؟

یکی از حضار: تعبیر بجمیع کتبه و روایاته

آیت الله مددی: به درد این کار نمی خورد، ابدًا. حالا بخوانید برای صدوق را هم بخوانید مشیخه را.

یکی از حضار: چه چیزی را بخوانم؟

آیت الله مددی: و ما کان فیه عن علی

یکی از حضار: علی بن اسماعیل را بله چشم.

آیت الله مددی: بخوانید بعدش هم خود روایت را کتاب فقیه بخوانید چون در کتاب فقیه هم آورده روایتش را بعد می گوید و ما کان

فیه عن علی بن اسماعیل.

یکی از حضار: همین قد ملکت نفسهاست روایت قد ملکت نفسها،

یکی از حضار: خوب همه ی روایت را بخوانید طوری نیست.

آیت الله مددی: و ما کان فیه عن علی بن اسماعیل، این را اسمش را به قول شما تعویض گذاشتند اما در حقیقت تلفیق است یک

چیزی که نبوده با یک چیزی که هست جمعش بکنند خیلی خوب

یکی از حضار: این روایت علی بن اسماعیل

یکی از حضار: تلفیق هم داریم که یک بخشی از سند را با بخش دیگر آن نوع دوم که گفتیم این کار را می کرد

آیت الله مددی: اجازات را انجام دادند اما در سند مشکل است، اصلاً یکی از امتحاناتی که بخاری را امتحان کردند در بغداد وقتی

آمد ۱۰۰ تا حدیث مطرح کردند قاطی کردند سند یکی را به متن دیگری، متن دیگری را به سند دیگری، بعد بخاری یکی یکی گفت این

سند متنش آن است آن متن سندش این است، همه را هر کدام به جای خودش این کار کردند دیگر انصافاً کار کردند نمی خواهد انکار

بکنیم ما هم کار نکردیم انصافاً دیگر خوب انصافاً انکار نکنیم که کار نکردیم دیگر حالا بحثی نکنیم که، بفرمایید. و ما کان فیه عن علی

بن اسماعیل بخوانید. این اصلاً طریق به روایت است طریق به مشیخه نیست.

یکی از حضار: و ما کان فیه عن علی بن اسماعیل میثمی فقد رویته عن ابی رضی الله عنه عن سعد بن عبد الله عن محمد بن الحسین

ابی الخطاب عن صفوان بن یحیی عن علی بن اسماعیل

آیت الله مددی: این اصلا صفوان از علی بن ، صفوان طبقه اش کجاست ، این یک علی بن اسماعیل الان میثمی بود یا میثمی نبوده ، حالا خود شرح حال علی بن اسماعیل طبقه ی محمد بن حسین بعد از محمد بن حسین است اصلا طبقه اش به او نمی خورد این نسخه ی صدوق را حالا یا راوی اشتباها کلمه ی میثمی در خود حدیث کلمه ی میثمی نیست خود کتاب فقیه بیاورید علی بن اسماعیل . در خود فقیه را بیاورید ، اینها را چون می گویم آقایان مخصوصا شنیدم که بعضی از این لجنه ی رجال آقای خوئی می رفتند یک مطالبی می گفتند که ایشان برمی داشت می نوشت یعنی برای خود ایشان نیست در حقیقت از این استخراجات عجیب و غریب و از این حرف های عجیب و غریب برای همان هاست برای لجنه است .

یکی از حضار: اجازه بدهید خود متن حدیث را پیدا کنم چون متن حدیث را الان

یکی از حضار: تا ایشان پیدا کند شیخ طوسی همین طور بوده یعنی مثل اینکه گروهی داشته چون خیلی کثیر ال

آیت الله مددی: بله حالا شاید هم نمی دانم ، مجلسی معروف است به گروه داشتن ، اما شیخ طوسی نشنیدیم ، به هر حال حجیت تعبدی مشکلاتی دارد و این سر این بوده این همین جور مشکلات منشاء بوده که مثل سید مرتضی بگوید اصلا خبر حجت نیست بهترین کتاب ها هم باشد حجت نیست . خوب می گوید الان شما دیدید دیگر چهار جا در این کتابی که به اسم کتب اربعه شیخ هم هست پنج راه به اسم احمد دارد مشخص نکرده است .

یکی از حضار: مرحوم سید چند تا دلیل می آورد برای اینکه بگوید حجت نیست ، مرحوم سید مرتضی ،

آیت الله مددی: می دانم برای سید هم نیست دیگر برای معتزله است مثل ابن قبه که اصلا می گوید ممکن نیست تعبد به خبر واحد تعبد ممکن نیست .

یکی از حضار: آقا خودشان هم اشکال ابن قبه را درست جواب ندادند

آیت الله مددی: چه کسی ؟

یکی از حضار: ابن قبه را می گویم

آیت الله مددی: چون ابن قبه اشکالش واقعا وارد است روی مبانی ، آقایان روی مبانی را عوض کردند و الا اشکال ابن قبه این است که خبر طریقت صرف دارد خوب این درست است مطلب ایشان احکام هم تابع مصالح مفسد هستند این هم درست است ، این که طریق صرف است گاهی خطا می کند خوب این هم درست است پس گاه گاهی مصلحت از بین می رود مفسده بار می شود این هم درست است حرف های ابن قبه درست تست که .

اهل سنت گفتند ما تابع مصالح مفسد از آن راه وارد شدند راه را عوض کردند تابع مصالح مفسد ، عده ای از اهل سنت تابع جعل حکم ظاهری شدند که خبر طریق صرف نیست جعل می کند .

یکی از حضار: روایت باید در تهذیب باشد .

آیت الله مددی: خوب می گوید ما کان فیه عن علی بن اسماعیل ، این مشیخه ی خود صدوق است .

یکی از حضار: ما الان می خواهیم روایت شیخ را تصحیح کنیم دیگر با مشیخه ی صدوق

آیت الله مددی: خود صدوق حتما اسمش را آورده است دیگر .

یکی از حضار: خوب این روایت نیست آن روایت دیگری است خوب

آیت الله مددی: خوب همان بخوانید شما دیگر

یکی از حضار: این روایت های این باب نکاح نیست که می خواهیم بگویم علی بن اسماعیل در صدوق

آیت الله مددی: حالا باب را ، خوب این حرف من است که این نیست اصلا آن نیست ، الان همان که در صدوق آمده بیاورید شما

یکی از حضار: در شیخ طوسی می گویند تصحیح شده علی بن اسماعیل میثمی در

آیت الله مددی: الان شما مشیخه خواندید دارد و ما کان فیه عن علی بن اسماعیل این میثمی را اشتباه نوشتند خود صدوق یک روایت

واحد از علی بن اسماعیل دارد همان را بیاورید در نکاح من کار ندارم

یکی از حضار: ببینید آنجا میثمی دارد در متن حدیث

یکی از حضار: سلسله ی سند را مشخص کنید طبقه

یکی از حضار: این را عرض کنم این روایت که محل نزاع اینجا نیست یعنی محل نزاع در تهذیب است .

آیت الله مددی: اصلا این یکی دیگر است ، شما الان برای صدوق را اول بخوانید

یکی از حضار: چون می گوید یک روایت بیشتر نیست

آیت الله مددی: یک روایت بیشتر نیست از علی بن اسماعیل دقت کردید معلوم شد چه شد این همان است که شما فرمودید عینا

همین است .

یکی از حضار: اینجا عبارت جلد ۴ ما جاء فی اجلکم الله الزنا ۴۹۸ روایت ۴۹۸ و روی علی بن اسماعیل المیثمی عن بشیر

آیت الله مددی: بشیر ؟

یکی از حضار: فقیه، روایتی که ابتدای سند آمده است

آیت الله مددی: عن بشیر؟

یکی از حضار: بله قال قرأت فی بعض الكتب قال الله تبارک و تعالی انی

آیت الله مددی: این بشیر کیست؟ خوب، من رحمتی من کذا

یکی از حضار: این بشیر وصفی منظور است نه اسمی.

آیت الله مددی: خوب حالا شما این کسی است که صفوان یعنی در حقیقت مرحوم شیخ صدوق می خواهد بگوید من روایتش را در کتاب صفوان دیدم اصل طریق به روایت است من در کتاب صفوان این روایت را دیدم و لذا در مشیخه‌ی صدوق صاحب کتاب در اثناء سند می آید آن طریقه‌ای که ایشان می نویسند در اثناء صاحب کتاب می آید در کتاب صفوان از علی بن اسماعیل میثمی، حالا میثمی بوده تیمی بوده چه بوده از آنجا نقل کرده است شما از کتاب شیخ طوسی تهذیب کتاب نکاح چند تا حدیث علی بن اسماعیل بخوانید.

یکی از حضار: الان روات صفوان نگاه نکنیم که علی بن اسماعیل در شان هست یا نه؟

آیت الله مددی: نگاه کنید، ندارد،

یکی از حضار: علی بن اسماعیل سندی هست

آیت الله مددی: علی بن اسماعیل نه او از صفوان نقل می کند

یکی از حضار: بله ببخشید معذرت می خواهم در روایتش

آیت الله مددی: بله علی بن اسماعیل، علی بن اسماعیل بن عیسی اشعری قمی این پسر عموی احمد است، آن از صفوان نقل

می کند به عکس است نه اینکه صفوان از او

یکی از حضار: بله، علی بن اسماعیل هم

آیت الله مددی: آن وقت این اسماعیل هم سندی می گفتند مثلاً شاید صورتش مثل هندی ها بوده با اینکه اسماعیل از اشاعره‌ی قم

است به او سندی می گفتند، علی بن سندی و محمد بن سندی و صالح بن سندی اینها همه بچه‌های او هستند بچه‌های اسماعیل هستند، آنها از صفوان نقل می کنند.

یکی از حضار: الان شما می گوئید روایت‌های علی بن اسماعیل در،

آیت الله مددی: یکی دوسه تا روایت از علی بن اسماعیل در تهذیب، در نکاح تهذیب، علی بن اسماعیل در کتاب تهذیب نگاه بکنید.

یکی از حضار: خوب بله، و ما رواه محمد بن احمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن علی بن اسماعیل

آیت الله مددی: این که اصلاً آن نیست نه ابتدا به اسم او کرده است.

یکی از حضار: ابتدا باشد.

آیت الله مددی: اینکه اصلاً او نیست که

یکی از حضار: و روی علی بن اسماعیل المیثمی عن ابن ابی عمیر عن حماد

آیت الله مددی: ببینید این روی عن ابن ابی عمیر این طبقه ای نیست که صفوان از این نقل بکند دقت کردید؟ آن کسی دیگری است

علی بن اسماعیل ممکن است آن هم از خاندان میثم باشد یک روایت دیگرش را بخوانید ایشان کسی است که از طبقه ی صفوان نقل می کند

نه اینکه صفوان از او نقل بکند، اصلاً طبقه اش به او نمی خورد چرا چون مقارنه نشده است عرض کردم ما مشکلی که در این کارها داریم

کارهای رجال و حدیثی تتبع می خواهد بررسی می خواهد زحمت می خواهد ریزه کاری می خواهد اینها یک کلمه نگاه می کنند دیگر تمام

شد رفت پی کارش

یکی از حضار: علی بن اسماعیل میثمی عن ابن ابی عمیر عن حفص

آیت الله مددی: بختری

یکی از حضار: بله بختری.

آیت الله مددی: بعدش؟

یکی از حضار: علی بن اسماعیل میثمی ندارد عن حماد عن عبد الله بن مغیره عن ابن سنان عن ابی عبد الله

آیت الله مددی: عبد الله بن مغیره طبقه ی صفوان است اصلاً نمی خورد اصلاً کلاً این علی بن اسماعیل به آن که ایشان در کتاب فقیه

آمده اصلاً کلاً نمی خورد دقت کردید؟ و هیچ شاهی نداریم که اصلاً مثلاً صفوان را، می گویم اصلاً وقتی نجاشی و شیخ در فهرست

حالا غیر از مشیخه هیچ راهی نیاورند یعنی ایشان اصلاً در اجازات نیامده است دنبال چه می گردید؟ تازه این تلفیق هم هست این چیز

نیست. بله یک چیز دیگری هست که این چون در کتاب های آقای خوئی در تقریرات ایشان مختلف آمده یعنی درست نقل نشده حالا من

درستش را نقل می کنم که روشن بشود.

بینید طریق مرحوم شیخ طوسی را به علی بن حسن بن فضال بیاورید .

یکی از حضار: علی بن حسن بن فضال

آیت الله مددی: طریقه‌ی شیخ در فهرست ، احمد بن عبد الواحد ، حدثنی به ابن عبدون احمد بن عبد الواحد ،

یکی از حضار: این موارد تعویض یا تدلیس است یا برمی‌گردد به همین

آیت الله مددی: تلفیق است سندها ، تعدد سند است تنوع سند است . اینها چون اصطلاح بلد نبودند و هذا ما نسیمیه به ، تسمیه

چیست این کارها چیست ، بفرمایید ، مرحوم شیخ در فهرست .

یکی از حضار: علی بن حسن بن فضال مرحوم شیخ در فهرست مدخل ۳۹۱: کتبه کذا ، أخبرنا بجميع كتبه قراءة عليه أكثرها والباقي

اجازة، أحمد بن عبدون،

آیت الله مددی: یعنی ایشان من بر احمد بن عبدون یک مقدارش را خواندم یک مقدارش هم به من اجازه داده است این دقت است

اینجا را دقت کرده شیخ ، احمد بن عبد الواحد یا احمد بن عبدون از اجلاء است مشایخ بغداد است چرا بفرمایید .

یکی از حضار: عن علي بن محمد بن الزبير

آیت الله مددی: این توثیق نشده ، علی بن محمد بن الزبیر توثیق رسمی نشده است قرشی ، علی بن محمد بن زبیر قرشی ایشان توثیق

رسمی نشده است بفرمایید .

یکی از حضار: عن علي بن محمد بن الزبير سماعا وإجازة عنه .

آیت الله مددی: نه بابا عن ابن عقدة ، ها اینجا ابن عقدة ندارد مستقیم عنه ، خوب اینجا اشکال کردند که این سند ضعیف است

خوب شیخ هم ابن فضال پسر زیاد روایت دارد

یکی از حضار: با همین سند ؟

آیت الله مددی: خودش می‌گوید سند من این است ، این مشکل برای او پیدا شده به نظرم در مشیخه هم اگر آمده همین را نوشته

همین علی بن محمد بن زبیر هست .

یکی از حضار: یعنی این علی بن محمد بن زبیر کلا در طرق قبل از ابن فضال هست همیشه مستقیم از خود او نقل می‌کند .

آیت الله مددی: بله اینجا از خود او آورده است حالا راجع به عبارت خود علی بن محمد بن زبیر چون متوفای ۳۴۸ است آن هم یک

بحثی دارد که فعلا حالا نمی‌خواهم وارد آن بحث بشوم .

یکی از حضار: بیخشید من ابن فضال را بروم در مشیخه؟

آیت الله مددی: می خواهید مشیخه هم نگاه کنید

یکی از حضار: و ما ذکرته فی هذا الكتاب عن علی بن الحسن بن فضال فقد اخبرنی به احمد بن عبدون المعروف ابن الحاشر سماعا همان است و اجازتا عن علی بن محمد بن زبیر عن علی بن الحسن بن فضال .

آیت الله مددی: اشکال این است اشکال سر علی بن زبیر است ، خوب بروید نجاشی را بیاورید ، این اشکال معروف آن وقت جواب هایی دادند جواب هایی داده شده ، جواب هایی که داده شده است یکی اش همین تعویض است یکی اش

یکی از حضار: اشکال کجا بود ضعف؟

آیت الله مددی: ضعف علی بن زبیر ، البته مرحوم شیخ ، مرحوم نجاشی را ، می خواهید علی بن محمد بن زبیر را هم بیاور از نجاشی یکی از حضار: از نجاشی هم

آیت الله مددی: علی بن محمد بن زبیر را بیاور ، علی بن محمد بن زبیر قرشی

یکی از حضار: خوب فقط می خواهید این عبارت نجاشی را بخوانم چون این به آن ابن زبیر مرتبط است می گوید ، کتاب ها را اسم می برد ، کتاب کذا کذا ،

آیت الله مددی: نه علی بن محمد بن زبیر را بیاورید یک نکته ای هم آنجا دارد نکته ی آن را هم بگویم .

یکی از حضار: نکته ی نجاشی هم تقریبا یک نسبتی

آیت الله مددی: بخوانید

یکی از حضار: این را عرض کنم می گوید ورأیت جماعة بعد از اینکه اسم کتاب ها را علی بن حسن بن فضال را مفصل می برد می گوید: ورأیت جماعة من شیوخنا یذکرون الكتاب المنسوب الی علی بن الحسن الفضال المعروف باصفیاء امیر المؤمنین علیه السلام ویقولون انه موضوع علیه لا اصل له و الله اعلم قالوا وهذا الكتاب الصق روايته الی ابی العباس وابن الزبیر .

آیت الله مددی: الصق ، خوب ، بفرمایید این هیچ الصق این راجع به یک کتاب است ، کتاب اصفیاء امیر المؤمنین شبیه این اصفیاء که شما چاپ کردید چه کسی چاپ کرده است اخیرا ، برای فلان ، الصق بله بفرمایید .

یکی از حضار: بعد ابن زبیر هم ایشان

آیت الله مددی: نه بعد سند می آورد ، بعد سند می آورد گوش بکنید ،

یکی از حضار: بخوانم طریق هایش را؟

آیت الله مددی: بله طریق هایش.

یکی از حضار: و کذا باز یک سری کتاب اسم می برد

آیت الله مددی: یک کتاب هم می گوید قمیین روایت کردند که کوفیین لا یعرفون هذه النسخة

یکی از حضار: می گوید قراء احمد بن الحسين كتاب الصلاة والزكاة ومناسك الحج

آیت الله مددی: خیلی عجیب است که مرحوم نجاشی با اینکه هم دوره بوده با احمد بن الحسين، احمد پسر ابن غضائری است

دیگر صاحب همین رجال معروف اسمش احمد بن الحسين است بعضی از چیزها را از او شنیده است نجاشی معلوم می شود خیلی قابل

بوده است با اینکه رفیقش بوده است بله آقا؟

یکی از حضار: بزرگ زاده بوده است.

آیت الله مددی: نه با هم دیگر اصلا درس پدر می رفتند دیگر چون پدر بزرگ بود دیگر نجاشی درس ایشان می رفت هم درس هم بودند

بعضی از جاها این جور است که می گوید قرأت علیه بر احمد بن الحسين معلوم می شود احمد بن الحسين یک رتبه ای داشته که نجاشی

حاضر باشد که قراء علیه و عجیب این است که نجاشی راجع به احمد بن الحسين صحبت نمی کند اصلا هیچ چیز نمی گوید، فقط شیخ

می گوید جوان مرگ شد بعضی از ورثه گفتند کتاب هایش را سوزاندند و لذا ما عرض کردیم احتمالا ایشان ترور شده است اصلا بحث

جوان مرگی نیست، چون ایشان با خط غلو به شدت مخالف بود مخصوصا خط غلو سیاسی، خط غلو سیاسی به نظرم در مصر و فاطمین

مصر بودند شیعیانی که در آنجا به قدرت رسیده بودند این با آنها معلوم، اینها هم بیشتر به همین روایات استناد می کردند ایشان پنبه ای آنها

را می زد.

و لذا به احتمال بسیار قوی ما احتمال دادیم که اصلا این را ترورش کردند اصلا نجاشی هم از ترس هیچ چیزی نمی گوید و الا عمد

بعض ورثه با حراق کتابه چرا دیگر احراق کتاب دیگر برای چه؟ اصلا یک شخصیتی بوده از نظر اجتماعی خیلی رویش کلام بوده رویش

بحث بوده است و لذا نجاشی با اینکه می گوید قراء عن احمد بن الحسين و من برای او، خیلی عجیب است.

یکی از حضار: همه ی کتاب ها را یک لیستی اسم می برد بعد می گوید و کذا و کذا و الرجال علی احمد بن عبد الواحد فی مدة سمعتها



آیت الله مددی: شیخ هم خوانده، هر دویشان استادشان یکی است یعنی احمد بن الحسین و شیخ و نجاشی استادشان احمد بن عبد الواحد است البته اینجا نمی گوید قرأت علی احمد بعضی جاها دارد قرأت علی اینجا دارد قراء احمد بن الحسین بفرماید.

یکی از حضار: بعد می گوید و قرأت علیه کتاب الصیام علیه فی مشهد العتیقة عن ابن الزبیر عن علی بن الحسن

آیت الله مددی: ببینید همان سند شیخ است دقت کردید؟ بعد چه می گوید؟

یکی از حضار: و اخبرنا بسائر کتب ابن فضال بهذا الطريق

آیت الله مددی: خوب، می گوید من کتاب را خواندم اما بعد اجازه داد برای بقیه خیلی خوب.

یکی از حضار: اینجا دیگر سائر معنایش قطعا باقی است.

آیت الله مددی: حالا بعدش چه دارد؟

یکی از حضار: می گوید و اخبرنا محمد بن جعفر

آیت الله مددی: این محمد بن جعفر عرض کردیم تمیمی است که از ابن عقده نقل می کند، این استاد نجاشی است المؤدب النحوی

از منفردات نجاشی است شیخ این را درک نکرده یا درک کرده از او نقل نمی کند، و اخبرنا محمد بن جعفر عن ابن عقده عادتا

یکی از حضار: این آخرین عن احمد بن محمد بن

آیت الله مددی: یعنی چون مرحوم نجاشی می گوید من کتب ابن عقده را از عده ای از علمای بغداد از سنی، شیعه و زیدی شنیدم

این فی آخرین یعنی این یعنی فقط محمد بن جعفر نه، عده ای از مشایخ این را از کتاب ابن عقده برای من نقل کردند فی آخرین تنها ایشان نیست بفرماید

یکی از حضار: بعد هم همان که فرمودید

آیت الله مددی: عن ابن عقده

یکی از حضار: ابن عقده احمد بن محمد بن سعید عن علی بن الحسن بکته

آیت الله مددی: بکته، بعد؟ تمام شد؟ ببینید خوب اینجا یک بحثی است که آن طریق ضعیف است درست شد همان طریق ضعیف

را نجاشی هم دارد، همان طریق ضعیف، یعنی احمد بن عبد الواحد عن ابن الزبیر عن ابن، نجاشی یک طریق دیگری ذکر می کند که این طریق صحیح است. محمد بن جعفر عن ابن عقده عن، این طریق صحیح است این را گفتند تعویض این را چون آقای خوئی داشتند

دقت می کنید اگر نگاه کنید تقریرات ایشان را درست چاپ نکردند توضیحاتش را من الان عرض می کنم.

یعنی نجاشی همان طریق ضعیف شیخ را دارد بعد خود نجاشی هم یک طریق صحیحی دارد بنا بر اینکه وحدت مصدر باشد که واقعا نسخه های کتاب یکی باشد و الا نجاشی می گفت له کتاب یختلف روشن شد ؟ تعویضی اگر شما هم شنیده باشید این است .

یکی از حضار: و همین اشکال را هم می کنند می گویند چه بسا نسخه

آیت الله مددی: ها نسخه مختلف باشد ، روشن شد ؟ این مثال هایی که شما زدید به درد ، تعویضی اگر باشد این مثال را من برای شما مثالش را زدم ، چون در کتاب آقای خوئی این مطلب آمده است و چند بار هم آمده است در عده ای از موارد در تقریرات ، چون من در درس شنیدم از ایشان در درس هم ایشان مجمل می گفتند احتمالا چون بعضی از اصحاب لجنه گفته بودند ایشان ، اما ضبط صحیحش این است یعنی شیخ توسط احمد بن عبد الواحد از ابن الزبیر از علی بن الحسن این طریق ضعیف است همین طریق بعینه نزد نجاشی هم هست ، روشن شد ؟

یکی از حضار: این تعویض هم شما قبول ندارید ؟

آیت الله مددی: این را می شود قبول کرد اجمالا ، روشن شد ؟ اینکه شما اشکال کردید این روشن شد ؟

یکی از حضار: واضح است ،

آیت الله مددی: به خلاف آنها که می گفتید

یکی از حضار: ببخشید بحث تعویض را تا آخر برویم همین که بحثش باز شد دنبال معانی مختلف

یکی از حضار: شاید از همین باشد

آیت الله مددی: ها فقط اشکالش این است که چون نجاشی نگفته له کتاب یختلف باختلاف الروايات پس می فهمیم نسخه یکی است دقت کردید ؟ ظاهرش این است که نسخه یکی است این فقط اشکال وحدت نسخه است .

یکی از حضار: خدایا شکر یک دانه تعویض را شما پذیرفتید بالاخره این خوب است حالا اگر ادامه بدهیم

آیت الله مددی: چون این را نوشتید گفتم من برای شما بنا بود وارد بحث تعویض دیگر نشویم دیگر اصلا بابش را ببندیم

یکی از حضار: تعویض جزو موضوعات بود که پرونده اش بسته بشود خوب است اگر بشود .

آیت الله مددی: خوب بابا ما می خواستیم ببندیم این آقا باز کردند چه کار کنیم من برای اینکه دل ایشان نشکند یک مثال زدم که ایشان

بدانند تعویض این

یکی از حضار: حالا معانی بعدی را هم می خواهید بفرمایید بعد هم عبارت را خیلی مختصر

یکی از حضار: یکی دیگر هم مانده بود

آیت الله مددی: آنها باطل است، بابا باطل است، روشن شد آقا این چیست؟ پس این را

یکی از حضار: بحث زیبایی را داشتیم ما با مبنای حاج آقا می رفتیم جلو حالا فعلا بعدا

آیت الله مددی: آنها اصلا آنها هیچ اصلا، این را اگر شما در تقریرات آقای خوئی نگاه کنید و طریقه الی ابن فضال دارند در چند جا دارند در تقریراتشان چند جا دارند و طریقه الی ابن فضال و ان کان صحیحا الا انه یمکن تصحیحه بطریق نجاشی الی ابن فضال توضیح ندادند دقت کردید؟ توضیحش این بود که من عرض کردم خدمتان یعنی بعبارة اخرى همان طریق ضعیفی که شیخ دارد بعینه نزد نجاشی موجود است، روشن شد؟ همان احمد بن عبد الواحد عن ابن الزبیر عن ابن فضال همین طریق بعینه نزد شیخ هم هست نزد نجاشی هم هست نجاشی یکی اضافه کرد، نجاشی یکی اضافه کرد، آن طریق معتبر است.

آن وقت با وحدت کتاب که دیگر حالا مشکلش این است که می توانیم ما تعویض بکنیم این با وحدت کتاب می توانیم بگوییم طریق شیخ هم، یعنی بعبارة اخرى آن نسخه ای که برای ابن الزبیر است ثابت است، در حقیقت دو راه به نسخه ی ابن الزبیر است تعویض نکردیم دقت کردید چه شد؟ دو طریق، شیخ از یک طریق آورده که به حسب ظاهر ضعیف است لکن معلوم می شود طریق دیگری هم به کتاب موجود بوده است و آن طریق ابن عقدة، آن طریق صحیح است پس بنابراین حتی ممکن است بگوید این تعویض هم نیست این تنوع طریق است مثل همان، دقت کردید؟ ممکن است بگوییم این تعویض حساب نمی شود، لکن چون آنجا استاد و طبقه یکی است هر دو احمد بن عبد الواحد است بعد ابن الزبیر است دقت می کنید چه می خواهم بگویم اینجا هم نزد نجاشی همان هست، احمد بن عبد الواحد ابن الزبیر.

یکی از حضار: و مطمئن هستیم یک کتاب است.

آیت الله مددی: آها باید مطمئن باشیم یک کتاب است، این معلوم می شود این کتاب.

و لذا ما یک راه دیگری همیشه رفتیم گفتیم کتب ابن فضال پسر مشهور بوده احتیاج به این حرف ها نداریم، دو طریق، سه طریق، چهار طریق و لذا گفت اخبرنی محمد بن، فی آخرین یعنی جمله ای از افراد نقل کردند نه یک نفر.

یکی از حضار: اینکه فرمودید مشهور بوده من همین جا یک نکته ای چون مرحوم شیخ هم در

آیت الله مددی: آن وقت این شد سه راه یک راهی که عرض کردیم توثیق خود ابن الزبیر است، اصلا توثیق ابن الزبیر که ایشان جزو

علمای مشایخ اجازه است اصلا، آن وقت برای محمد بن علی بن الزبیر را بیاورید یک راه دیگرش توثیق خود ابن الزبیر است.

یکی از حضار: علی بن محمد بن الزبیر

آیت الله مددی: بله ابو الحسن علی بن محمد بن زبیر قرشی

یکی از حضار: علی بن محمد بن الزبیر در رجال شیخ مدخل ۶۱۷۹ القرشی الکوفی روی عن علی بن الحسن بن فضال جمیع کتبه

و روی اکثر الاصول روی عنه تلعبری

آیت الله مددی: این رجال شیخ بود، نجاشی هم دارد، این عبارت و روی اکثر اصول و روی عنه تلعبری که از بزرگان اصحاب است

مشعر این است که ایشان جزو مشایخ است و معروف بوده که اصلا کتب، ببینید روی کتب بنی فضال ابن فضال، اصلا معروف بوده این مطلب کاملاً مشهور بوده است، نجاشی هم دارد به نظر من علی بن محمد بن الزبیر چون وفاتش هم می گوید ۳۴۸ است.

یکی از حضار: اینجا که هست و روی اکثر الاصول و روی عنه تلعبری و اخبارنا عنه احمد بن عبدون و مات ببغداد سنة ثمان و اربعین

آیت الله مددی: گفتم ۳۴۸ وفاتش است

یکی از حضار: و... بعده مائة سنة

آیت الله مددی: صد سال حدود صد سال عمرش بوده است یعنی می خواهد بگوید اگر از ابن فضال نقل کرده چون سنش زیاد بوده

است ابن فضال پسر باید ۲۷۰ - ۲۸۰ باشد پدر ۲۲۲، ۲۲۴ است ابن فضال پدر، پسر باید ۲۷۰ باشد ایشان اگر ۳۴۸ وفاتش است یعنی

۲۴۸ به دنیا آمده است دقت کردید؟ پس ایشان عمرش مساعد بوده که از، یعنی شیخ می خواهد توجیه بکند این نسخه ی ایشان که قابل

قبول بوده چون ایشان عمرش زیاد بوده است عمر این واسطه زیاد است که جناب آقای ابن زبیر باشد، عمرش زیاد بوده و لذا کتب بنی

فضال پسر، ابن فضال پسر را نقل کرده است نجاشی هم به نظرم دارد.

یکی از حضار: پیدا نکردم.

آیت الله مددی: و کان علوا فی الوقت

یکی از حضار: آن که فرمودید

آیت الله مددی: کلمه ی و کان علوا فی الوقت را بیاورید، کان علوا فی الوقت، به نظرم برای همین است یا برای یکی دیگر است به

نظرم نجاشی یا برای احمد بن عبد الواحد است نمی دانم، نه برای همین است می گوید و کان علوا فی الوقت، علی ای حال ان شاء الله

روشن شد؟

یکی از حضار: اسحاق بن حسن گفته است

آیت الله مددی : نه .

یکی از حضار : و كان في هذا الوقت علوا في الوقت ولم نسمع منه شيئا

آیت الله مددی : یکی دیگر هم دارد .

یکی از حضار : یکی دیگر هم برای همان ابن عبدون گفته است

آیت الله مددی : همین .

یکی از حضار : ابن عبد الواحد و كان لقي ابي الحسن علي بن محمد القرشي الكوفي

آیت الله مددی : همین علی بن محمد لقی یعنی خیلی مهم بوده است .

یکی از حضار : و كان علوا في الوقت

آیت الله مددی : این کان به ابن زبیر برمی گردد ، لقی ابن زبیر را و ، آقای خوئی در درس حالا نمی دانم اینجا در معجم چه نوشتند چند

بار من از ایشان شنیدم ، ایشان می خواندند کان غلوا فی الوقت ، یعنی غلیان شبابش بوده است یعنی این جوان بوده مثلا ، خیلی باطل است

این مطلب ، همان که ایشان گفت عمرش ۶۰ سال ، کان علی بن الحسن ، کان ابن الزبیر علوا ، یعنی اسنادش اسناد عالی بوده اگر اسناد

عالی می خواهد چون نزدیک ۱۰۰ سال عمرش بوده دیگر

یکی از حضار : علوا في الوقت

آیت الله مددی : یعنی در زمان آن زمان اگر علو اسناد می خواستند از ایشان می گرفتند دلیلش هم همین است ایشان متوفای ۳۴۸ است

می آید از ابن فضال نقل می کند ، علو اسناد است . مثل اینکه من یک قصه ای از آقای مرعشی نقل کنم از زمان آخوند ما جوان بودیم ایشان

پیر بود با یک واسطه ، من از خود آقای مرعشی شنیدم که وقتی آقای شیخ فضل الله را اعدام کردند ما رفتیم دیدن آخوند خود آقای مرعشی

نقل می کند من از زبان خود ایشان شنیدم . این علو فی الوقت را آقای خوئی می خواندند علوا فی الوقت و متوجه نشدند که این علوا فی

الوقت یعنی از مشایخ معروف بوده است اصلا می رفتند برای اینکه احادیث را با علو اسناد بشنوند از این سوال می کردند یعنی شیخ به تمام

معنا اجازه بوده است این علوا فی الوقت به این معنا

آقای خوئی می خواندند و كان غلوا في الوقت یعنی در زمان جوانی اش بوده است در غلیان جوانی اش بوده است نمی دانم حالا از کجا

این برداشت را در آوردند الله اعلم ، این علوا فی الوقت ، علو اسناد از راه ایشان بود چرا چون خود شیخ گفت ناهض مائة سنة چون صد

سال بوده است مخصوصا اگر پدرش ما الان پدرش را نمی شناسیم ، اگر پدرش جزو علماء بوده اینها گاهی اوقات بچه‌ی یکساله بوده می رفتند اجازه می گرفتند از یک پیرمرد مثلا نود ساله بعد خودش هم صد سال عمر می کرد یعنی ۱۹۰ سال با یک راه می رفتند

یکی از حضار: این علو سند بوده

آیت الله مددی: و این علو اسناد درست می شد ، دقت کردید ؟

یکی از حضار: ببخشید این مطلب آخری که فرمودید که این کتاب را اگر بشود اثبات کرد از یک کتاب بوده کتاب واحد بوده این را من امشب از همان اول عرض کردم مرحوم آقای هاشمی در تقریری که از مرحوم آقای صدر نوشته ایشان می گوید این معنای تعویض درست است عبارتش خیلی کوتاه است اگر اجازه بدهید

آیت الله مددی: بخوانید چه اشکال دارد ؟

یکی از حضار: حالا در بحث فرمودند که

آیت الله مددی: در کدام کتاب در همین برای

یکی از حضار: بحوث مرحوم آقای سید محمود

آیت الله مددی: راجع به چه کتابی است ؟

یکی از حضار: همان سند خصال و حدیث رفع

آیت الله مددی: حدیث رفع بفرمایید .

یکی از حضار: بعد ایشان می گوید نظریه التعویض ممکن است کسی چیز بکند تصحیح بکند روایت را که طریق سعد بن عبد الله را جایگزین کنیم کذا بعد ایشان می فرماید و فيه ان نظریه التعویض بهذا العرض العریض غیر مقبول عندنا اذ لیس معنی خبرنا بکل روایاته و کتبه کل ما ینسب الیه او یقع الشخص فی سنده من الروایات ، یعنی خودشان دارند می گویند که ، و لا اقل من الاجمال و المتیقن انه یقصد کل ما هو یراه روایتا له بان یسنده و ینسبه فی کتبه الیه کما لو بداء السند به فانه حینئذ یمکن التطبيق نظریه التعویض علی کلام آیت الله مددی: خوب خواندید دیشب چهارتا نظریه‌ی احتمال دادیم یکی از آنها همین بود گفتیم این باطل است این چهارتا احتمال باطل است .

یکی از حضار: و بهذا الحدیث لیس کذلک

آیت الله مددی: باطل است خوب واضح است کلام باطل است ،

یکی از حضار: می گویند لیس

آیت الله مددی: اصلاً خبرنی بکته و روایاته باز هم روایت گرفته فقط روایتی که اول به او دادند

یکی از حضار: می گوید مصدر به

آیت الله مددی: مصدر، نه اصلاً ربطی ندارد.

یکی از حضار: وحدت کتاب گرفته خوب می گوید اشکال مصداقی است

یکی از حضار: می گوید آن جایی که وحدت کتاب باشد مقبول نیست

یکی از حضار: وحدت کتاب باشد خوب این وحدت کتاب را قبول کردند

آیت الله مددی: حتی اگر وحدت کتاب باشد این خبرنی بکته و روایاته معنایش این نیست مصداقاً به اسمش باشد، اصلاً خبرنی

بکته و روایاته معنایش این نیست

یکی از حضار: نه وحدت در آن مورد آن طوری که شما قبول کردید را می گویند

یکی از حضار: آن وحدتی را که شما قبول کردید

یکی از حضار: آن که نجاشی طریقهش صحیح بود

آیت الله مددی: می دانم، آن هم در حقیقت چه شد در حقیقت نکته اش این شد که می خواست بگوید که می خواستیم بگوییم این

کتاب مشهور بوده عده‌ی زیادی نقل کردند یک طریقی که علو اسناد داشته ابن الزبیر است این برای علو اسناد است اما عده‌ی دیگر نقل

کردند این که خوب مشکلی ندارد که الان ببینید مرحوم کلینی از علی بن الحسن ابن فضال پسر به یک واسطه نقل می کند مرحوم کلینی

دارد چند تا روایت زیاد ندارد کم دارد لکن شیخ طوسی به دو واسطه نقل می کند خوب خیلی فاصله شان زیاد است، دقت کردید چه شد؟

یعنی کلینی با یک واسطه نقل می کند خود کلینی یک واسطه، دو واسطه هم بین او و بین شیخ طوسی هست می شود چند تا چهار تا واسطه

شیخ باید با چهار تا واسطه نقل بکند شیخ با دو واسطه نقل می کند این علو اسناد است، کان علوا فی الوقت.

یعنی یکی از کارهایی که در آن زمان خیلی معروف شد در اواخر قرن چهارم این شد که کتاب ابن فضال پسر را می توانیم با علو اسناد

نقل بکنیم علو اسنادش هم به خاطر ابن الزبیر، لذا هم مرحوم نجاشی قبولش کرده هم مرحوم شیخ طوسی قبولش کرده است، این مدح

کتاب است اینها اصلاً ملتفت نشدند این مدح این شخص است اصلاً یعنی ایشان از مشایخ قابل اعتماد بوده و منشاء اینکه این کتاب مثلاً

در ابن حاشره نقل کرده است به خاطر علو اسناد است و الا نباید عاداتاً مرحوم شیخ طوسی به دو واسطه از ابن فضال پسر نقل کند باید با چهار واسطه نقل کند ، دقت می کنید ؟

اما می آییم نگاه می کنیم که مرحوم شیخ طوسی با دو واسطه نقل می کند ، این دو واسطه اش می گوید از کجاست از علو اسنادی است که برای مرحوم ابن الزبیر است و لذا از این در می آید که ایشان از شیوخ اجازه است و قابل اعتماد بوده و این نسخه اصلاً معروف بوده یعنی نسخه به علو اسناد معروف بوده است نسخه ای است که احمد بن عبد الواحد از ابن نقل می کند به علو اسناد معروف بوده است این ظاهر عبارت این است .

یکی از حضار: ابن الزبیر از طریق مشایخ درست بود .

آیت الله مددی : از طریق مشایخ .

حالا چون اینجا را هم خواندید جامع الروات را هم بیاورید جامع الروات جلد ۲ ، جامع الروات اردبیلی

یکی از حضار: یکی از مصادیق تعویض را آن سخن جامع الروات مرحوم اردبیلی دانستند آنهایی که

آیت الله مددی : حالا من الان می گویم در همین ابن الزبیر است در ابن فضال است ، جامع الروات را بیاورید ، جلد ۲ و طریقه الی

ابن فضال طریق شیخ الی علی بن حسن بن فضال

یکی از حضار: برای علی بن حسن فضال را بیاورم ؟

آیت الله مددی : نه علی بن حسن در آخر طریق شیخ و صدوق را دارد در آخر جامع الروات طرق را دارد

یکی از حضار: در خاتمه ؟

آیت الله مددی : خاتمه بله خاتمه ، آخر جلد ۲ بیاورید و طریقه الی علی بن حسن بن فضال .

یکی از حضار: بله دارم پیدا می کنم ، و طریق الشیخ الی علی بن حسن بن فضال ببخشید و کذا الی علی بن حسن فضال

آیت الله مددی : خوب

یکی از حضار: قبلی را علی بن حاتم قزوینی را فرمودند ضعیف فرمودند و کذا الی علی بن حسن بن فضال

آیت الله مددی : چرا ؟

یکی از حضار: نفهمیدم .

آیت الله مددی : خوب بعد چه می گوید ؟



یکی از حضار: هیچ چیزی نمی گوید .

آیت الله مددی: نه شرح می دهد بعد شاید عبارت مح را آورده است این رجال میرزا محمد است آخر خود جامع الروات شرح رجال میرزا محمد استر آبادی است شرح رجال بسیط ایشان است وقتی ایشان نقل می کند می گویم چون بد چاپ کردند همین چاپی که شده است آخرش دارد مح ، مح یعنی میرزا محمد بعضی ها را هم نوشته است سین یعنی تفرشی رجال تفرشی را هم اضافه کرده است اردبیلی بعضی ها را هم نوشته به اصطلاح بگویند جب یعنی فهرست منتخب الدین ، بعضی های دیگر رمز ندارد آخرش اینها برای خود جامع الروات است آن جایی که رمز ندارد برای خود ایشان است ، این جامع الروات عده ای از کتب را جمع آوری کرده است مرحوم اردبیلی مرحوم آقای شیخ محمد اردبیلی جمع کرده است آن وقت طریقه الی ابن فضال ضعیف چرا برای ابن الزبیر این ضعفش برای ابن الزبیر است آن طریقه شاید صدوق ، صدوق طریقه ندارد به ایشان ، طریقه شیخ را در تهذیب و استبصار ، مشیخه و فهرست و طریقه الشیخ الیه فی ست ، ست یعنی فهرست

یکی از حضار: الان اجازه بدهید این را من پیدا کنم

آیت الله مددی: نه این اولش بوده بعد خودش شرح می دهد خود اردبیلی توضیح می دهد ،

یکی از حضار: فهرست را با رمز؟

آیت الله مددی: ست ، ست یعنی فهرست ، خ یعنی مشیخه

یکی از حضار: حالا یک چاپ ۷ جلدی هم از آن شده آقای ملکیان شاید این رمزها را در آورده است

آیت الله مددی: نه باز هم در نیاورد آن هم یک زحمت زیاد کشید برای من یک دوره هدیه دادند محبت کردند چون ایشان چند سال درس ما می آمدند دیگر عمده ی کارش نزد ما بود آقای ملکیان خیلی آدم با همتی است زحمت می کشد مرد بزرگواری است بفرمایید .

یکی از حضار: بوستان کتاب چاپ کرده است .

آیت الله مددی: بله دارم به من هدیه دادند دارم من آن دوره اش را دارم ، یک نکات فنی دارد که باید مراعات می شد که نشده است که بعد باید به خود ایشان توضیح بدهم

یکی از حضار: تا آسید علیرضا پیدا می کند آن یک موردی که حاج آقا قبول کردند به نظر شما تعویض ، تعویض را قبول نکردند سند دیگری هست که باید

آیت الله مددی: نه جابجا نکردند ، آقایان جابجا کردند ما می گوئیم جابجا نیست این

یکی از حضار: می گوید از طریق صحیح ما قبول می کنیم کتاب مجهول بوده

آیت الله مددی: یعنی نجاشی در حقیقت

یکی از حضار: شما در آن روایت را که ضعیف است به من نقل کنید من می توانم آن را سندش را بردارم آن را بگذارم جایش .

آیت الله مددی: نمی خواهم بردارم اولاً این طریق است سند نیست این طریق را برداریم چون طریق داشته شیخ طریق ضعیف را آورده

است اما نجاشی دو تا بله ، بفرمایید

یکی از حضار: و الی حسن بن علی بن فضال صحیح فی ست

آیت الله مددی: خوب

یکی از حضار: بله این در فایده ی رافعه در تراث شیخ

آیت الله مددی: خوب

یکی از حضار: باز اینجا توضیحی ندارند

آیت الله مددی: صحیح فی ست نباید صحیح باشد .

یکی از حضار: نمی شود چنین چیزی ، می خواهم بیاورم جایش را یادتان هست از کتب چاپی بیاورم ،

آیت الله مددی: جامع الروات آنجا جلد ۲ را بیاور من نگاه کنم ، یک راه دیگر هم جامع الروات رفته یعنی مجموعاً چهارتا راه است

یک اینکه خود علی بن محمد بن الزبیر را توثیق بکند که الان توضیح دادیم ، ۲ این راه نجاشی که بگوییم نجاشی با ایشان ، حالا اسمش

را گذاشتیم تعویض بگذارید تعویض ، بدهید من کتاب را ایشان نمی توانند ، و الی علی بن حسن بن فضال ، ببینید آقا می خواهید شما

بخوانید و الی علی بن حسن بن فضال می خواهید بخوانید شما

یکی از حضار: جلد ۲ جامع الروات

آیت الله مددی: همین چاپ معروف

یکی از حضار: صفحه ۵۰۵ و الی علی بن الحسن بن فضال فی علی بن محمد بن الزبیر

آیت الله مددی: اشکالش به علی بن الزبیر است فی المشیخة و فهرست ست ، ست یعنی فهرست

یکی از حضار: و الیه صحیح فی [یب] یعنی تهذیب ؟

آیت الله مددی: تهذیب .

یکی از حضار: فی باب آداب الأحداث الموجبة للطهارة

آیت الله مددی: یعنی ایشان یک روایت آورده که شیخ در تهذیب نقل کرده سند آن جا صحیح است می خواسته از این راه این مثل تعویض می ماند و الیه فی تهذیب یک سندی را نقل می کند از شیخ طوسی دقت کردید چه شد؟ این در روایت است در تهذیب در باب آداب

یکی از حضار: الاحداث الموجبة للطهارة في الحديث السادس وفي باب حكم الجنابة في الحديث الحادي والاربعين

آیت الله مددی: این دو تا حدیث

یکی از حضار: وفي باب حكم الحيض في الحديث الخامس والسادس والسابع.

آیت الله مددی: این ۵ تا حدیث است و الیه صحیح در اینها، چرا چون در اینها ابن عقدة آمده است.

یکی از حضار: و لامره هذا تعویض

آیت الله مددی: تعویض، این یک راه دیگری این راه چهارم شد، که خود شیخ در تهذیب بیاورید

یکی از حضار: الی علی بن حسن بن فضال طریق چه کسی الی علی بن فضال؟

آیت الله مددی: طریق شیخ، این طرق شیخ است ایشان می گوید ۵ تا حدیث داریم که شیخ نقل کرده از ابن فضال و طریقش صحیح

است پس آن طریق فهرست را با این تصحیحش می کنیم. این غیر از راه نجاشی شد ها این راه دیگری است.

یکی از حضار: بله فهرست و مشیخه شد

آیت الله مددی: اصلا این را کسی که اهل فن نباشد اصلا این عبارت را نمی فهمد که این چه می خواهد بگوید اصلا دقت کردید و

صحیح

یکی از حضار: عجیب است اصلا این عبارت عربی نیست

آیت الله مددی: لغت جن است لابد

یکی از حضار: فی فهرست صحیح و ضعیف را می گوید اما خودش در صدد تعویض که نبوده است.

آیت الله مددی: دقت کردید چه شد؟

یکی از حضار: الیه صحیح را می گفت موصوف را نیاورده صفت را آورده چنین

آیت الله مددی: نه این جامع الروات این مشکل را زیاد دارد گاهی می گوید عنه عنه عنه سه چهارتا عنه پشت سر هم می آورد خیلی این مغلق از این جهت اغلاق هایش زیاد است ، حالا این باب هایی که ایشان گفت باب الاحداث الموجبة ، تهذيب باب کدام ، باب الاحداث الموجبة للوضوء

یکی از حضار: آداب الأحداث الموجبة للطهارة في الحديث السادس

آیت الله مددی: ابوابش را بیاورید ، در اینجا شیخ حدیثی از ابن فضال چون اوائل کتاب با سند نقل می کند از ابن فضال از ابن عقدة از ابن فضال می گوید این را چون صحیح است آن را هم ما با این تصحیح می کنیم این شبیه تعویض است . آن وقت اینجا ۵ تاست یعنی کلا ۵ تاست یعنی حساب کردیم با ۵ تا حدیث می خواهد دهها حدیث که ایشان دهها حدیث که از ابن فضال نقل کرده است خوب شاید این ۵ تا حدیث صحیح است بقیه نه به فهرست برمی گردد .

یکی از حضار: یعنی این طریق منحصر به این ۵ تا باشد

آیت الله مددی: ها در این ۵ تا درست است اما در مشیخه و در فهرست ابن الزبیر هست پس آن هم تصحیح ، روشن شد ؟ اگر من نمی گفتم این عبارت را

یکی از حضار: نه اصلا این عبارت را نمی فهمیدیم .

آیت الله مددی: روشن شد ؟ این یک راه چهارمی است بله آقا ؟ معما چو حل گشت آسان شود . بیاورید باب الاحداث الموجبة یکی از حضار: باب الاحداث را آوردم ولی حدیث

آیت الله مددی: حدیث ۶

یکی از حضار: آن نیست ۶

آیت الله مددی: از اول ابواب الاحداث بیاورید بخوانید یکی یکی بروید جلو در آنجا به نظرم حدیث را کامل می آورد خبرنی به فلان کامل است سند کامل است .

یکی از حضار: سندها کامل است اما عن علی بن حسن بن فضال اینجا نداریم

آیت الله مددی: نمی شود حتما هست دیگر این درست است این یک راه دیگری است که ایشان رفته است پس یک راه آقای خوئی را گفتیم که به نجاشی درست کردند ، یک راه دیگری که خود ایشان توثیق بشود ، مجموعا چهارتا راه شد .

یکی از حضار: این جوری برویم جلو تعویض را کلا

آیت الله مددی: روشن شد چه می خواهیم بگویم، این راه چهارم است که تعویض کرده با خود شیخ در تهذیب لکن در ۵ تا حدیث پس معلوم می شود شیخ به ایشان طریق صحیح داشته است لکن این دلالت نمی کند انصافا خوب در ۵ تا داشته است.

یکی از حضار: این نوع تعویض را قبول نمی کنید؟

آیت الله مددی: این نوع تعویض را نمی شود قبول کرد

یکی از حضار: چنین دلالت روشنی ندارد به همه شان

آیت الله مددی: فوقش ۵ تاست. باب الاحداث الموجبة للطهارة همین جور از حدیث اولش شروع کن بعد از کلام شیخ مفید

یکی از حضار: من باب احداث الموجبة للطهارة

آیت الله مددی: حدیث را از ۱ شروع کن از همان اولش حدیث ۱

یکی از حضار: اخبرنی الشیخ عن احمد بن محمد بن حسن عن ابیه عن محمد بن یحیی عن محمد بن احمد بن احمد بن

آیت الله مددی: الی آخره هیچ

یکی از حضار: حدیث ۶ را

آیت الله مددی: حدیثی بعدی

یکی از حضار: اخبرنی الشیخ اخبرنی ابو قاسم جعفر بن محمد بن قولویه

آیت الله مددی: این هم هیچ

یکی از حضار: بعد باز بعدی اخبرنی الشیخ عن احمد بن محمد بن الحسن الولید باز هم این هم هیچ محمد بن الحسین، محمد بن

عبد الله بن زرارۃ عن عیسی بن عبد الله الهاشمی، حدیث ۴ احمد بن محمد بن حسن بن ولید عن ابیه از محمد بن یحیی العطار عن

محمد بن احمد بن یحیی عن احمد بن یزید

آیت الله مددی: این هم هیچ

یکی از حضار: ۵ محمد بن علی بن محبوب عن هیشم بن ابی مسعود

آیت الله مددی: عن حسن بن محبوب غالبا بعد از هیشم حسن بن محبوب است، بعد آن هم هیچ

یکی از حضار: چرا این روایتش، ششمی درست بود این در این صفحه ی، درست است بله، ما اخبرنی به جماعة عن ابی محمد

آیت الله مددی: ببینید ابی محمد هارون بن موسی تلعبری، جماعة یعنی مفید و غضائری و ابن عبدون از هارون بن موسی تلعبری

آن عن ابن عقدة حتما

یکی از حضار: عن ابی محمد هارون بن موسی عن احمد بن محمد بن ابن عقدة عن علی بن الحسن

آیت الله مددی: می گوید این طریق صحیح است پس ایشان طریق صحیح به کتاب ابن فضال داشته

یکی از حضار: بعد این را هم آورده است و احمد بن عبدون عن علی بن محمد بن الزبیر عن علی بن الحسن

آیت الله مددی: این دو تا مثل نجاشی شد یعنی همان ابن زبیر آورده هم این طریق صحیح آورده است پس می گویم ما می فهمیم که

ایشان طریق صحیح به ایشان داشته است شبیه نجاشی شد دقت کردید؟ درست شد؟ این تعویض ایشان این جوری است من اگر شرح

نمی دادم به این زودی ها فکر نمی کنم اصلا به ذهنتان خطور نمی کرد که، روشن شد چه می خواهد بگوید ایشان؟

پس می گوید ولو درش ابن زبیر هست چون عین همین سند که ابن زبیر هست آورده بایک سند صحیح دیگر آورده است، تلعبری

از ابن عقدة این درست است این سند آن وقت ما چه می گویم ما می گویم تمام اینها قرائن می شود برای اینکه کتاب ابن فضال مشهور

است پس بهتر است همان حرف را بزنیم بگویم شهرت کتاب یا وثاقت خود ابن زبیر وثاقت ابن زبیر به نظر من خیلی روشن است، اصلا

علوا فی الوقت، اصلا علو اسناد داشته برای علو اسناد نزد او می رفتند این از مشایخ اجلاء می شود نه مشایخ عادی می شود دقت می کنید؟

یا از این تعویض اینکه ایشان گفته یا از تعویضی که آقای خوئی دارد از راه نجاشی روشن شد اگر تعویض اسمش باشد این هم هست، این

هم چون این را من می دانستم شما این عبارت را روشن نیست تا اینکه من شرح بدهم لذا گفتم این عبارت خوانده بشود تا روشن بشود.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین